

سریال «محکوم»؛ تابوشکنی در روایت زندگی قضات

■ گروه فرهنگ و هنر - در سریال محکوم معرفی یک بازپرس زن نشان از هوشمندی و نگاه روشن قوه قضائیه دارد؛ نگاهی که بر این واقعیت تأکید می‌کند قضات، دادیاران و کارکنان دستگاه قضا نیز بخشی از همین جامعه‌اند.

سفیّد، باعث شده تا سریال فضایی نزدیک‌تر به واقعیت داشته باشد. مخاطب در «محکوم» با قاضی‌ای مواجه می‌شود که هم تصمیم‌های دشوار شغلی می‌گیرد و هم درگیر بحران‌های شخصی و خانوادگی است؛ تصویری که پیش‌تر کمتر در تلویزیون دیده شده بود. از سوی دیگر، سریال توانسته نگاه نسل جوان به مسائل دستگاه قضا را نیز بازتاب دهد. حضور کاراکترهایی با سبک زندگی متفاوت، از موسیقی رپ تا روابط عاطفی پرچالش، نشان می‌دهد که نسل جدید خانواده‌های قضات هم مانند سایر هم‌نسلان خود با واقعیت‌های اجتماعی امروز درگیر هستند. این تنوع روایتی به مخاطب حس نزدیکی بیشتری با داستان می‌دهد.

در نهایت، هر چند اجرای بازیگران و پرداخت دراماتیک در برخی صحنه‌ها ضعیف دارد، اما «محکوم» ارامی توان نقطه‌شروعی برای تغییر

این تابوشکنی در نمایش زندگی خصوصی خانواده‌های دستگاه قضا، تفاوت آشکاری با کلیشه‌های تبلیغاتی سال‌های گذشته در صداوسیما دارد؛ چهره‌ای واقعی‌تر و ملموس از آنان ارائه می‌دهد: افرادی که ممکن است با مشکلات خانوادگی، موضوع شوهر دوم یا کشمکش‌های روزمره مواجه شوند؛ درست‌مانند دیگر اقشار جامعه. در عین حال، پرداختن به زنان پس از حوادث ۱۴۰۱ و پررنگ کردن جایگاه آنان در نقش‌های جدی اجتماعی و قضایی، نشان از تغییر رویکردی معنادار دارد. «محکوم» در این مسیر، هر چند در بازیگری و برخی لحظات نمایشی ضعف دارد، اما به‌عنوان گامی تازه در روایت زندگی واقعی و چندلايه خانواده‌های دستگاه قضا، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

افزون بر این، استفاده از شخصیت‌های خاکستری و نه صرفاً سیاه و

قسمت نخست سریال «محکوم» با وجود کاستی‌های روایی، توجه مخاطبان را به دلیل انتخاب جسورانه در موضوع و شخصیت‌ها جلب کرده است. این سریال با معرفی یک بازپرس زن که در کنار مسئولیت‌های کاری خود، با مشکلات معمولی زندگی شخصی مواجه است، نقطه عطفی در بازنمایی دستگاه قضا در فضای نمایش خانگی به شمار می‌آید.

انتخاب چنین رویکردی نشان از هوشمندی و نگاه روشن قوه قضائیه دارد؛ نگاهی که بر این واقعیت تأکید می‌کند قضات، دادیاران و کارکنان دستگاه قضا نیز بخشی از همین جامعه‌اند. آنان خانواده دارند، والدین‌شان در همین نسل متفاوت زیست‌ه‌اند و فرزندان‌شان مانند بسیاری دیگر از جوانان امروز، دغدغه‌ها و سبک‌های متنوع زندگی از پسر رپر گرفته تا دختر مانتویی را تجربه می‌کنند.

«ناجورها»؛ کمدی تکلوکیشنی با بازی‌های تکراری

گروه فرهنگ و هنر - مصطفی فرجی منتقد سینما در نقدی از نکات مثبت و منفی فیلم سینمایی "ناجورها" کاری از محمدحسین فرحبخش سخن گفت.

مصطفی فرجی منتقد سینما بیان کرد: محمد حسین فرحبخش که بیشتر در مقام تهیه‌کنندگی فعالیت داشت بعد از سال‌ها، کارگردانی فیلم ناجورها را بر عهده گرفت. داستان فیلم در مورد زوجی است که در منزلی تقریباً قدیمی ساکن می‌شوند و در شب اول دزدی وارد منزل آنها می‌شود. با ورود پلیس مجبور می‌شوند دزد را به جای پدرشان جابزنند تا دستگیر نشوند. وی بازی بازیگرانی چون پژمان جمشیدی و محسن کیایی را بازیابی کرد و گفت: پژمان جمشیدی و محسن کیایی زوج کمدی این فیلم در چند اثر دیگر همبازی بودند و بازی تکراری خودشان را به رخ کشیدند. با توجه به اینکه این فیلم تک لوکیشن بود و ماجرای داستان فقط در اتاق و سالن تصویربرداری شده بود، من را یاد تئاتر کمدی "پیرونی برای دیکتاتور" انداخت که سال گذشته در سالن اصلی تاتر شهر با بازی پژمان جمشیدی و محسن کیایی دیده بودم. لذا دقیقاً همان بازی‌ها در این تک لوکیشن تکرار شده بود. به هر حال سازندگان آثار سینمایی برای حفظ فروش کیشه از این سوپرستارهای کلیشه‌ای استفاده می‌کنند.

این منتقد سینما ادامه داد: المیرا دهقانی که اصالت شیرازی دارد، در این فیلم دیالوگ‌ها را با لهجه شیرین شیرازی بیان می‌کرد که مورد پسند و خوب بود. اما گیتی قاسمی به عنوان همسر محسن کیایی در تناقض قرار داشت. ابتدا تصور کردم محسن کیایی فرزند گیتی قاسمی است اما بعد متوجه‌شدم همسری است.

وی افزود: حامد و کیلی که در فیلم دایناسورها خوش درخشید بود در این فیلم نیز درخشید و بازی قابل قبولی از خود نشان داد. همچنین فرزین محدث و مختار ساتفی بازی کمی داشتند و بیژن نبغه‌خواه که در فیلم صبحانه با زرافه خیلی خوب ظاهر شده بود در این اثر سینمایی بازی خاصی از خود نشان نداد.

فرجی از جزئیات بیشتر فیلم سینمایی "ناجورها" گفت: در گفت‌گویی که با مصیب حنايي نویسنده فیلم‌نامه ناجورها داشتم، ایشان گفتند که اولین کارشان ناجورها بوده است و چون داستان در تک لوکیشن بوده تمام پلان‌ها را در ذهن و کپی از منزل مادر بزرگ که در شهرستان بودند نوشته‌اند.

وی با اشاره به مواد مخدر نامبرده در فیلم بیان کرد: باتوجه به اینکه فیلم کمدی اجتماعی است و نشان دادن مواد مخدر از جمله شیشه، برای کودکان و نوجوانان خوشایند نیست، بنظم باید عوارض منفی این مواد و شکل آن را به کودکان آموزش داد که این مواد باعث بدبختی انسان‌ها می‌شود، خانمان سوز است، باعث جدایی والدین از هم می‌شود لذا نباید سراغ



کاستی‌های روایی خود غلبه کند، می‌تواند به یکی از آثار جریان‌ساز در بازنمایی نهادهای حاکمیتی و زندگی انسانی آنان تبدیل شود.

تصویر کلیشه‌ای از جامعه قضایی در قاب رسانه دانست.

ایسن مجموعه با جسارت به میدان آمده و اگر در ادامه بتواند بر

«باشو غریبه کوچک» بهترین فیلم بخش

کلاسیک ونیز شد

فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی محصول ۱۹۸۶ که توسط استودیو روش‌نا با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرمت شده و توسط کمپانی فرانسوی «Ffilmsmk» در جشنواره ونیز ارائه شد.

فیلم «باشو، غریبه کوچک» یکی از آثار ماندگار و مهم سینمای ایران است که به کارگردانی بهرام بیضایی ساخته شد.

ماجرا درباره‌ی پسر بچهای جنوبی به نام باشو است که در جریان جنگ ایران و عراق خانواده‌اش را از دست می‌دهد. او بر اثر بمباران و ناامنی، سوار یک کامیون می‌شود و سر از شمال ایران درمی‌آورد. در روستایی سرسبز گیلان، زنی کشاورز به نام نایی (با بازی سوسن تسلیمی) او را می‌یابد و به خانهاش می‌برد.



گروه فرهنگ و هنر - نسخه مرمت‌شده فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی، جایزه بهترین فیلم بخش کلاسیک هشتاد و دومین جشنواره فیلم ونیز را به خود اختصاص داد.

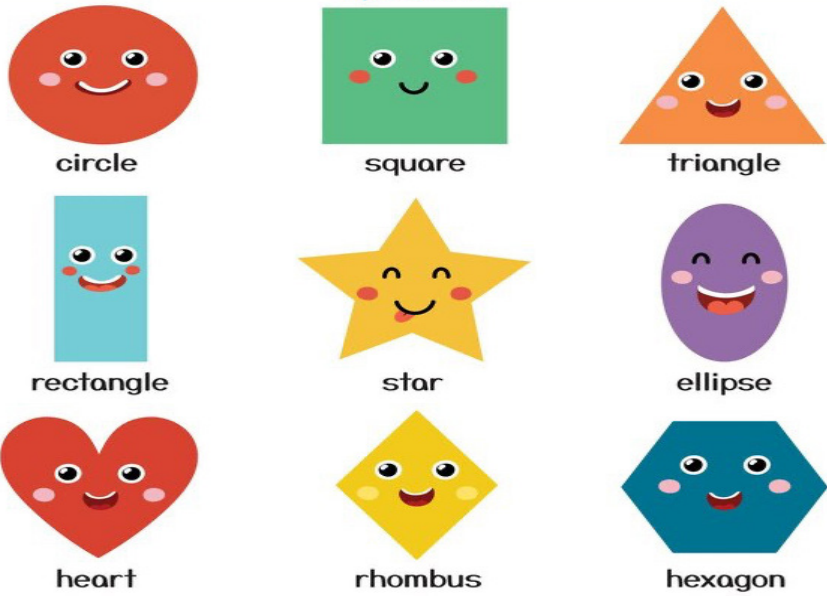
نسخه مرمت‌شده فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی امسال در بخش کلاسیک جشنواره ونیز به نمایش گذاشته شد و در نهایت جایزه بهترین فیلم این بخش را کسب کرد.

بخش کلاسیک جشنواره ونیز امسال به نمایش جهانی نسخه‌های مرمت‌شده ۱۸ شاهکار سینمایی از کشورهای مختلف می‌پردازد که در طول یک سال گذشته توسط آرشیوها، نهادهای فرهنگی و شرکت‌های تولید فیلم بازسازی شده‌اند.

ویژه کودک و نوجوان

بچه های جزیره

کلمه انگلیسی یاد بگیر



تصاویر کودکان دلبند خود را می توانید به این شماره ارسال فرمائید .
۰۹۰۳۲۲۸۲۵۴۶

زنبور را به غذاش برسون



داستان : قصه کودکانه چی میشد اگه...؟

نادیا به دختر کوچولوی زیباست که به روز عادی شروع میکنه به خیالیافی و از خودش میپرسه: چی میشد اگه...؟ نادیا روی پله‌های آبی جلوی خونشون نشست! نادیا شروع میکنه به خیالیافی و اون فقط کنجکاو بود که بدونه...

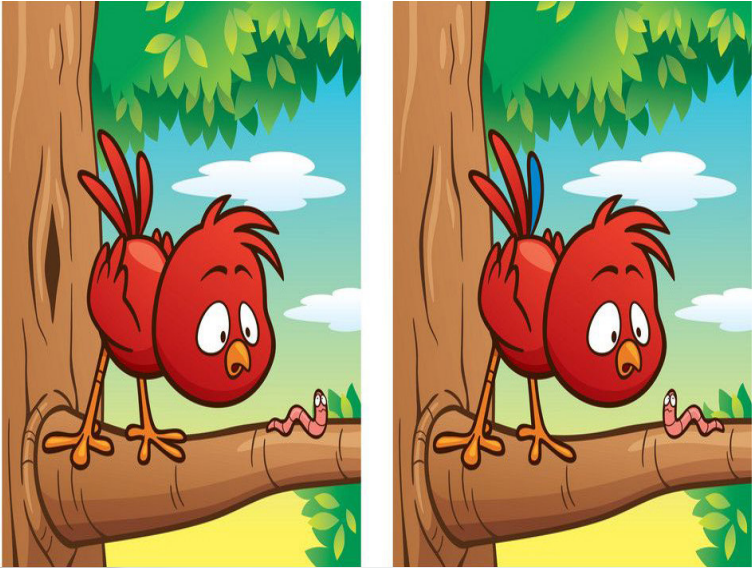
چی میشد اگه با خوردن پاستیل میتونستی خیلی بلند بیری؟

اینجوری صبح‌ها با یه پرش میتونستی برسی به مدرسه! چی میشد اگه مرغ‌ها و بزها میتونستن حرف بززن؟ یعنی میتونستن جک‌های خنده‌دار بکن؟ چی میشد اگه خونه‌ها مثل سفینه‌ی فضایی بودن؟ اینجوری برای مسافرت میتونستیم بریم به ماه! چی میشد اگه هیچکس مجبور نبود آشپزی کنه و غذاهای مورد علاقه‌مون همینجوری روی میز ظاهر میشد؟ چی میشد اگه بستنی‌ها هرگز آب نمیشن و تا آخر تابستون سالم میمونن؟! چی میشد اگه وقتی بابا برام کتاب داستان میخونه، عکس‌های کتاب دور سرم پرواز میکردن؟ چی میشد اگه چکمه‌های صورتیم جادویی بودن و باعث میشدن پتونم از آداهش بزرگ‌ترم سریع‌تر بدوم؟! چی میشد اگه چشم‌ها رو به هم فشار میدادم و... نادیا تو همین فکرها بود که داداشش ازش پرسید: نادیا اینجا چیکار میکنی؟

نادیا خندید و گفت:

فقط فکر میکردم که چی میشد اگه...؟

تفاوت این دو شکل را پیدا کن



با کشیدن خط،هر حس را به شکل مربوط به خودش وصل کن



جهت درج آگهی ثبت شرکتها در روزنامه محلی اقتصاد کیش

به نشانی: روبروی دادگستری قدیم کیوسک احمد نیک پور مراجعه فرمائید

۰۹۳۴۷۶۸۰۹۷۷